

بہترین

اورکسٹریوونہ

۱

ہارپر

ہوپا
Hoopa

چتر لاله



نویسنده: کری بورنل
تصویرگر: لارا آلن اندرسون
مترجم: بیثا ابراهیمی



سرشناسه: برنل، کری، ۱۹۷۹ - م.
 Burnell, Cerrie
 عنوان و نام پدیدآور: چتر سرخ/ نویسنده کری بورنل؛ تصویرگر لارا آلن اندرسون؛
 مترجم بیتا ابراهیمی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: ۴ ص: مصور.
 فرست: هارپر و ارکستر دیوانه: ۱.
 شابک: ۵-۸۲-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸: دوره: ۲-۸۳-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Harper and the scarlet umbrella.
 موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) - قرن ۲۱م.
 موضوع: Children's stories, English -- 21th century
 شناسه افزوده: اندرسن، لارا آلن، تصویرگر
 شناسه افزوده: Anderson, Laura Ellen
 شناسه افزوده: بیتا، ابراهیمی، ۱۳۵۵- مترجم
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ج۴ ب/۱/۱/۱ PZ۷
 رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۲ [ج]
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۴۵۱۲۷


HARPER AND THE SCARLET UMBRELLA
 Text © Cerrie Burnell, 2015
 Illustrations © Laura Ellen Andresen, 2015

نشر هوپا با همکاری آژانس ادبی کیا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Scholastic، خریداری کرده است.

رعایت «کی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، کری بورنل، و ناشر خارجی آن، اسکولاستیک، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.

اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت کری بورنل این کار را کرده است.





چتر سرخ

نویسنده: کری بورنل
 تصویرگر: لارا آلن اندرسون
 مترجم: بیتا ابراهیمی
 ویراستار: نسیم نونوش اجینی
 مدیر هنری: فریاد رستمی
 طراح گرافیک: منا سرداری پور
 ناظر چاپ: سینا بزازوان
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه پرداز آندیشه
 چاپ اول: ۱۳۹۷
 تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان
 ISBN: 978-964-17-178-5
 ISBN: 978-964-17-178-6
 ISBN: 978-964-17-178-7



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،
 کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
 www.hoopa.ir info@hoopa.ir

- همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
- هرگونه استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.

تقدیم به

خانواده‌ام که کودکی زیبایی بر ایام ساختند
و به امیلی دوست‌داشتنی که جادو را برایم به واقعیت تبدیل کرد
و با تشکر از السدیر مالوی
و ارکستر سلطنتی لیورپول.

کری بورنل

به ماری زیبا، نوازنده‌ی سحرآمیز و خواهری بی‌نظیر
لارا آلن اندرسون





روزی روزگاری دختری بود به نام هارپر که استعداد بی نظیری در موسیقی داشت. او از لابه لای صدای باد، ترنم باران و بال زدن های پروانه ها نوای موسیقی می شنید. هارپر می توانست هر سازی را بنوازد، آن هم بی اینکه حتی یک بار آموزش دیده باشد. گاهی اوقات شب که می شد هارپر کنار گربه اش، نصفه شب، نوایی می شنید که قلبش را به تپش می انداخت. نوایی که گویا از ستارگان می آمد...





فصل یک پتر شکسته

هارپر با لذت، از طبقه‌ی چهاردهم «ساختمان بلند»، به «شهر ابرها» نگاه می‌کرد. تراموا زیر باران شدید می‌غرید و چترهایی به رنگ‌های روشن مثل قایق‌های کوچک تک‌تک باز می‌شدند. خاله‌ساسی با مهربانی گفت: «عزیزم، من باید تا ده دقیقه‌ی دیگه برم سالن اُپرای هلند.» و یک کت صورتی تنگ روی پیراهن چین‌دار زیبایش پوشید. «با هلیکوپتر می‌آن دنبالم.»

هارپر لبخندی زد و دستانش را دور کمر خاله‌ساسی حلقه کرد. بوی عطر یاس توی دماغش پیچید. هر چهار هفته یک بار، وقتی ماه گرد و کامل می‌شد، خاله‌ساسی به هلند می‌رفت تا سری به همه‌ی پیراهن‌های خوشگلی بزند که برای هنرمندان اُپرا می‌دوخت. هارپر یک جورهایی از نبودن خاله‌ساسی خوش‌حال می‌شد، چون در مدت نبودن خاله، باید با ساکتان ساختمان بلند زندگی می‌کرد. آن شب در آپارتمان السی کراهام پیر و عجیب‌وغریب می‌ماند که در بالاترین خانه‌ی ساختمان



زندگی می‌کرد. فردا را با مادام‌فلورا در کلاس نمایش می‌گذرانند که در طبقه‌ی سوم زندگی می‌کرد. صدای هلیکوپتر در آپارتمان کوچک پیچید. خاله‌ساسی با خوش‌حالی گفت: «وسیله‌ی سفرم رسید!» و چمدانش را برداشت و به سمت در راه افتاد.

هارپر دوید که به او برسد و در راه چتر زردش را هم برداشت. وقتی به پشت‌بام رسیدند، صدای باران «تپش‌قلب» که از آسمان پایین می‌ریخت، به گوش می‌رسید. هارپر توجهی به این صدا نکرد، در شهر ابرها هر روز باران می‌بارید، باران‌های مختلف، آب پاکی که از آسمان می‌رسید و قابل‌آشامیدن بود. این شهر باران‌های جورواجوری داشت:

ترنم تابستانی: نم‌نم بارانی که حتی آدم را خیس نمی‌کرد.
مه‌دریا: بارانی ملایم که مثل مه در هوا موج می‌زد.
باران تپش‌قلب: بارانی یک‌دست که با نوای ضربان قلب پایین می‌ریخت.
انفجار ابرها: بارانی شدید که تا مغز استخوان آدم را خیس می‌کرد.
آبشاریخ: باران تندی که مثل تگرگ می‌بارید.

اما حرف‌های خاله‌ساسی میان باد گم شد. هارپر تنها ماند، یک دختر کوچک روی پشت‌بام، بدون چتر.



باران رعدوبرقی: وقتی که توفان آسمان را می‌لرزاند. خاله‌ساسی با لبخندی گفت: «آخر هفته‌ای به خوبی خودت داشته باشی.» و پیشانی هارپر را بوسید و به سمت هلیکوپتر رفت.

هارپر خندید و گفت: «حتماً.» و به خوشی‌هایی که در انتظارش بودند، فکر کرد.

اما همین که هلیکوپتر به سمت ابرها رفت، باد پره‌های هلیکوپتر، چتر هارپر را بلند کرد و به هوا برد. هارپر با دیدن چترش که پاره و شکسته افتاد توی چاله‌ی آب جلوی پایش، بیخ کوتاهی کشید.

خاله‌ساسی از آسمان او را نگاه کرد و نزدیک بود فنجان چایش از دستش بیفتد.

نالید: «حالا باید چی کار کنیم؟ همه توی شهر ابرها چتر خودشون رو دارن و حالا چتر هارپر شکسته.»

خم شد و از لای ابرهایی که در هم می‌لولیدند، پایین را نگاه کرد و نفس عمیقی کشید و بعد، با اینکه می‌دانست زندگی هارپر برای همیشه عوض خواهد شد، داد کشید: «عزیزم، باید اون چرخ سرخ رو برداری. کسی که اون رو برای تو گذاشته...»

هارپر و دوستانش با چتر سرخ بر فراز شهر ابرها پرواز می‌کردند که ناگهان چشمشان به دختر بندبازی افتاد. دخترک آن‌ها را به سیرک رؤیاها هدایت کرد؛ جایی که پر بود از آدم‌های عجیب و غریب و چیزهای جورواجور! مثل خانم آوازه‌خوان دریا، آقای شیرینی‌پز، یک طالع‌بین مرموز و کتابخانه‌ی زنجیلی و موش‌هایی از خامه‌ی سفید! جایی که راز گذشته‌ی هارپر در دل آن مخفی شده بود.

هارپر و سیرک رؤیاها

را از دست ندهید تا به بزرگترین
راز زندگی هارپر پی ببرید.



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!

هوپا، ناشر کتاب‌های خوردنی



نشر هوپا همگام با ناشران بین‌المللی، از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند؛ زیرا:
■ این کاغذها نور را کمتر منعکس می‌کند و در نتیجه، چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود؛
■ این کاغذها سبک‌تر از کاغذهای دیگر است و جابه‌جایی کتاب‌های تهیه‌شده با آن، آسان‌تر است؛
■ و مهم‌تر از همه اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر.....